

فساد و اعتماد عمومی

دکتر سعیده احمدی^۱

چکیده

بزرگ‌ترین تهدید داخلی برای یک اقتصاد، فساد اقتصادی است که باعث بی‌اعتمادی شدید مردم به دولت و مسئولین می‌شود. بی‌اعتمادی مردم به دولت خود یکی از تهدیدهای اقتصادی است و باعث می‌شود هیچ‌یک از سیاست‌های اقتصادی دولت با موفقیت به انجام نرسد و مردم نیز در نتیجه بخش بودن سیاست‌ها همکاری نخواهند کرد. بررسی آمارهای مربوط به شاخص «اعتماد عمومی به سیاستمداران» به‌عنوان شاخصی برای بررسی اثرگذاری فساد بر اعتماد عمومی، نشان می‌دهد که جایگاه کشور از نظر فسادپذیری دولتمردان و میزان رعایت استانداردهای اخلاقی از سوی سیاستمداران، حتی در بین کشورهای منطقه نیز نامناسب است. از این رو، راهکارهایی مانند برخورد قاطع با مفاسد اقتصادی بدون ملاحظه وابستگی‌های شخصی و گروهی، تقویت نظام اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی، توجه بیشتر به شایسته‌سالاری در نظام‌های قضائی و حقوقی کشور، تقویت جامعه مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد برای کنترل قدرت سیاسی افراد، حمایت مالی از ائتلاف‌های مبارزه‌کننده با فساد، ارائه گزارش‌های منظم از فسادهای شناسایی شده و مقابله با آن‌ها و تقویت رسانه‌های مستقل برای مبارزه همه‌جانبه با موضوع فساد در راستای افزایش اعتماد عمومی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: فساد، اعتماد عمومی، ناطمینانی، شاخص اعتماد عمومی به سیاستمداران، گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد.

مقدمه

اثربخشی اقتصادی به‌صورت منعطف استفاده کنند. گسترش فساد یکی از دلایل بی‌اعتمادی عمومی است که می‌تواند اثرات مخربی به‌همراه داشته باشد. در واقع، یکی از مهم‌ترین تبعات منفی فساد در جامعه، کاهش اعتماد و مشارکت عمومی مردم است. از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی مانند بی‌اعتمادی و پایین آمدن مشارکت، اثرات اولیه برخورد نکردن با مفاسد اقتصادی است. امروزه خبرهای مربوط به رقم‌های ریز و درشت اختلاس، ویژه‌خواری گروه‌های خاص، تلنبار شدن بدهی‌های بانکی

اعتماد عمومی نسبت به دولت و سازمان‌های دولتی برای مدیران، کارکنان و کارگزاران هر نظام سیاسی حائز اهمیت است، زیرا برای پشتیبانی از تدوین و اجرای خط‌مشی‌های اقتصادی و همین‌طور همراهی و همکاری اثربخش شهروندان با دولت در تمامی حوزه‌ها، اعتماد نقش محوری ایفا می‌کند. متولیان امور عمومی در بخش دولتی در صورتی که از اعتماد عمومی برخوردار باشند، می‌توانند از مهارت‌ها، صلاحیت‌ها و استقلال خود به‌منظور افزایش کارایی و

با توجه به اهمیت این موضوع سعی شده تا در این گزارش ضمن تحلیل ارتباط اعتماد عمومی با اقتصاد، با استفاده از شاخص‌های مختلف، میزان اثرگذاری فساد بر اعتماد عمومی را مورد بررسی قرار داد. همچنین سعی شده تا تجربه برخی کشورها در مبارزه با فساد برای کسب اعتماد عمومی مورد بررسی قرار گیرد، در پایان نیز با بررسی ملاحظات امنیت اقتصادی کاهش اعتماد عمومی به واسطه فساد، راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه شده است.

۱. رابطه اعتماد عمومی با اقتصاد

در یک جامعه هر اندازه میزان اعتماد عمومی بیشتر باشد، افراد آن جامعه خود را در ارزش‌های فردی و اجتماعی بیشتر سهم می‌دانند و به این طریق پیوندهای اجتماعی مستحکم‌تر و انسجام جامعه بیشتر می‌شود. ملموس‌ترین تأثیر اعتماد بر جامعه، اثری است که اعتماد بر کارکردهای اقتصادی جامعه دارد. بدیهی است که جامعه‌ای منسجم با هزینه و زمان کمتر به اهداف اقتصادی خود می‌رسد. وجود اعتماد در جامعه سبب کاهش ریسک و نااطمینانی است و از این رو، سبب رونق فعالیت‌های اقتصادی و کنش‌های سیاسی و اجتماعی خواهد شد. بر همین اساس، هر اتفاقی که سبب از میان رفتن اعتماد در جامعه شود، باعث خواهد شد تا هزینه کنش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افزایش یافته و رکود در تمام سطوح کشور حکمفرما شود. این سؤال پیش می‌آید که اعتماد عمومی چگونه می‌تواند بر اقتصاد و اصلاحات اقتصادی اثرگذار باشد؟

دولت‌ها در ادوار مختلف و بدهکاران بزرگ بانکی و... باعث از بین رفتن بیش از پیش اعتماد اجتماعی در سطح کشور شده است.

هیچ عاملی (نه عدم کارایی، نه ضایعات، نه مالیات‌های سنگین، نه وجود مقررات بیش از حد، نه حتی شکست در جنگ)، دولت و حکومت را از ریشه نمی‌لرزاند، به جز وجود این باور که عامه مرد تصور کنند که دولت‌مردان فاسدند. زمانی که این باورها میان مردم فراگیر شد و برای مدتی طولانی تداوم یافت، عامه مردم ایمان خود را نسبت به کارآمدی دولت از دست خواهند داد. بدون اعتماد به دولت‌ها، بازارها و مؤسسات، حمایت از اصلاحات لازم برای آن دشوار است.

فساد، اعتماد عمومی را از بین برده و سرمایه اجتماعی را تحلیل می‌برد. قوانین و مقرراتی را که به منظور مقاصد اجتماعی سودمندی نظیر حفظ محیط‌زیست و... وضع شده‌اند، تضعیف می‌کند و در نتیجه این امر، شهروندان در دنباله‌روی و تبعیت از قوانین نفعی نمی‌بینند که پیامد این امر تحلیل مشروعیت سیاسی یک نظام سیاسی است. آگاهی از وجود فساد گسترده یا حتی صرف انتظار وجود این امر، از درجه مشروعیت و اثربخشی دولت‌ها می‌کاهد تا آن اندازه که می‌تواند دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را با بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه سازد. فساد، بی‌اعتمادی را تقویت می‌کند و بی‌اعتمادی، تلاش حکومت در بسیج جامعه در مبارزه با فساد را بی‌اثر و وعده مبارزه با فساد را بی‌اعتبار می‌کند.

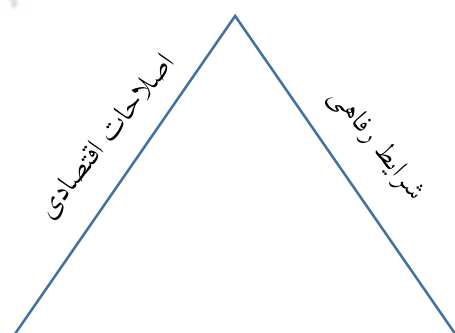


مسئله اعتماد به مسئولان و مدیران ضلع اساسی در اصلاح موفقیت‌آمیز اقتصاد به‌شمار می‌رود و اگر این اعتماد با فساد خدشه‌دار شده باشد، نمی‌توان در این زمینه کاری از پیش برد. زمانی که میزان اعتماد مردم نسبت به مسئولان پایین باشد، در این صورت هرگونه قوانینی که تصویب می‌شود یا هرگونه اصلاحاتی که انجام می‌گیرد، از سوی عامه مردم پذیرفته نشده و رعایت نمی‌شود.

جامعه بی‌اعتماد، زیربنای برنامه‌پذیری را نخواهد داشت و دولت را در اجرای برنامه همراهی نخواهد کرد، دولت، برای اجرای هر برنامه‌ای نیاز دارد تا مردم به او اعتماد داشته باشند، از این رو، اولین گام دولت‌ها در اجرای برنامه‌هایشان، بنای اعتماد در جامعه است. دولت در اولین گام باید اعتماد میان خود و مردم را تقویت کند تا مردم بیش از پیش در جهت تعالی کشور گام برداشته و همچون جامعه‌ای یکدست و یک هدف حرکت کرده و برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی آتی را اجرا کنند.

بی‌اعتمادی در جامعه می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر کارکرد اقتصادی جامعه بگذارد. در کنار باور عامه مردم به فساد بودن دولت، هرگونه بی‌تعادلی و بی‌ثباتی در اقتصاد، می‌تواند سبب تشدید بی‌اعتمادی در جامعه و افزایش نااطمینانی به عملکرد دولت شود. روشن است که افزایش نااطمینانی در جامعه سبب رکود در فعالیت‌های اقتصادی شده و از این طریق بر تولید، درآمد سرانه، بیکاری و رفاه کل جامعه تأثیر منفی خواهد داشت. علاوه بر این تعدیل فراوان قیمت‌ها در بازار، سبب

برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم که متغیرهای اقتصادی به دلیل تأثیر مستقیمی که بر رفاه و سطح زندگی خانوار دارند، می‌توانند منشأ بسیاری از حرکت‌های جمعی در جامعه باشند. وضعیت اقتصادی یک کشور (به‌خصوص کشورهایی که نیاز به اصلاحات اقتصادی دارند)، مانند یک مثلث سه ضلعی است که یکی از اضلاع آن شرایط رفاهی مردم و دیگری اصلاحات اقتصادی است. اصلاحات اقتصادی گرچه متنوع هستند ولی وجه اشتراکشان در این است که در کشورهایی مانند ایران لازم‌الاجرا بوده و در کوتاه‌مدت موجب تحمیل هزینه به عموم جامعه می‌شوند. ضلع سوم این مثلث نیز درجه اعتماد به دولت‌مردان کشور است؛ این‌که عامه مردم به اداره‌کنندگان کشور در اجرای اصلاحات و حل مشکلات اعتماد دارند یا خیر. اگر ضلع سوم اقتصاد یعنی اعتماد به مسئولان مورد خدشه واقع شده باشد، پیگیری آن دو ضلع دیگر یعنی اصلاحات اقتصادی و حل مشکلات رفاهی، هزینه‌بر بوده و حتی می‌تواند مانع از دستیابی به اهداف موردنظر در این موارد شود.



میزان اعتماد عمومی

«معمای اجتماعی» عمدتاً زمانی اتفاق می‌افتد که اعتماد به سیستم سیاست‌گذاری در اذهان آحاد اقتصادی خدشه‌دار شده باشد. در واقع، افراد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی نسبت به آینده اطلاعاتی همراه با نااطمینانی دارند، برای آن‌که یک فعالیت اجتماعی شکل گیرد باید هزینه‌های انتظاری فعالیت کمتر از منافع انتظاری آن باشد، حال اگر فرد نسبت به آینده جامعه اعتماد داشته باشد (اعتماد به مفهوم کلی آن، یعنی اعتماد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) سبب خواهد شد نااطمینانی وی نسبت به آینده کاهش یافته و از این طریق تصمیمات مطمئن‌تری اتخاذ کند، بهبود این فضای اطمینان سبب خواهد شد تا رونق اقتصادی در جامعه شکل گرفته و ساختار جامعه رو به بهبود حرکت کند.

افراد سابقه سیاست‌گذاران را بررسی می‌کنند؛ در صورتی که افق سیاست‌گذاری را مثبت ارزیابی کنند وارد بازی باخت - باخت «معمای اجتماعی» نمی‌شوند، اما در صورتی که سابقه غیرقابل اعتماد سیاست‌گذاران افق منفی از آینده اقتصاد در اذهان عمومی شکل دهد، جامعه تمایلی به همراهی با سیاست‌گذار نداشته و وارد بازی «معمای اجتماعی» نخواهند شد.

در تجربه یونان، جامعه هیچ افق روشنی از مسیر آینده سیاست‌گذاران نداشت به همین دلیل تمایلی به تحمل سیاست‌های ریاضتی نداشتند. نتیجه این بود که با آغاز سیاست‌های ریاضتی، سیاست‌گذاران با موجی گسترده از اعتراض عمومی مواجه شدند، اما همین

افزایش سطوح نااطمینانی اقتصادی در جامعه و بی‌اعتمادی به کفایت مدیریت اقتصادی دولت و تشدید باور عامه مردم بر فساد هرچه بیشتر دولت‌مردان می‌شود.

ممکن است افرادی پایبند به اصول اخلاقی باشند، اما با باور به سازوکار «فساد مساوی با گشایش کار است» در نهایت به فرایندهای فاسد وارد می‌شوند و به تدریج نگرش آن‌ها تغییر می‌کند. این فرایند به صورت چرخه‌ای مداوم، دام بی‌اعتمادی و فساد را رواج می‌دهد به عبارتی، فساد بی‌اعتمادی را بیشتر می‌کند و بی‌اعتمادی، به فساد بیشتر می‌انجامد. این‌گونه کشورها در دام توالی فساد - بی‌اعتمادی - فساد، روند قهقربایی را طی می‌کنند. این چرخه زمانی تضعیف یا متوقف می‌شود که به علت‌های مختلف، کارآمدی نهادی بر آثار اصلاح‌های جدی در ساختار نهادی، سبب بهبود حکمرانی شود.

اگر به دلیل فساد، انتظارات و اعتماد عمومی نسبت به دولت‌مردان خدشه‌دار شده باشد، جامعه می‌تواند وارد فرایند «معمای اجتماعی» شود. معمای اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود که رفتار افراد در تناقض با رفاه اجتماعی باشد. در چنین حالتی عموم جامعه وارد بازی انتظارات شده و درحالی‌که در کوتاه‌مدت رفاه خود را افزایش می‌دهند، در نهایت رفتار اجتماعی باعث فروپاشی اقتصاد و زیان بلندمدت تمامی افراد جامعه خواهد شد. به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته اقتصاد کشور در معرض اصل معمای اجتماعی قرار گرفته است.

1. Social Dilemma



می‌کنند؟ مقدار (۱) برای این شاخص نشان‌دهنده این است که از نظر عموم، میزان رعایت استانداردهای اخلاقی از سوی سیاستمداران بسیار پایین است، به طوری که به باور عموم، دولتمردان کشورشان فاسد هستند. مقدار (۷) برای این شاخص نیز نشان‌دهنده آن است که از نظر مردم، مقام‌های دولتی کاملاً به اصول اخلاقی پایبندند و فاسد نیستند. به عبارتی هرچه میزان این شاخص بیشتر و به عدد (۷) نزدیک‌تر باشد، به معنای فساد کمتر دولتمردان است.

مفهوم این شاخص به اقدامات دولت‌مردان و عملکرد مدیریت بخش عمومی برمی‌گردد، فساد و عدم رعایت استانداردهای اخلاقی توسط سیاست‌مداران، موجب پیدایش سوءمدیریت شده و سوءمدیریت در بین کارآفرینان و شهروندان عدم اعتماد به مدیریت دولتی را تقویت کرده، تردیدهایی را نیز در مورد برخورداری مؤثر از حقوق مصوب قانونی پدید می‌آورد. بر اساس امتیازهای اخذ شده، مجمع جهانی اقتصاد از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ هر ساله اقدام به رتبه‌بندی کشورها در این زمینه کرده است، به طوری که کسب رتبه‌های پایین‌تر برای کشورها به معنای پایبندی هرچه بیشتر مسئولان به رویه‌های قانونی است و هرچه رتبه کشوری افزایش یابد به معنای آن است که مسئولان آن کشور به قوانین، خط‌مشی‌ها و مقررات جامعه پایبند نبوده و منافع شخصی غیرقانونی خود را بر منافع عمومی ترجیح می‌دهند. برای نمونه کشور سنگاپور با کسب عدد

اعتماد کافی بود تا شهروندان ایرلندی را برای افق عبور از بحران، وادار به تحمل ریاضت اقتصادی کند.

در ایران نیز تجربه عموم مردم درخصوص سیاست‌های اقتصادی مانند بازار سرمایه و اقبال گسترده به بورس، پیش‌فروش سکه، سپرده‌های ارزی تجربه ناخوشایندی بوده که به طور جدی اعتماد عمومی را خدشه‌دار کرده است. در سال ۱۳۹۹ عموم مردم برای حضور در بازار سرمایه تشویق شده و اعتماد آنان کم‌کم شکل گرفته بود، اما با رفتارهای نادرست به‌راحتی اعتماد مردم از بین رفت. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که در آینده عموم مردم با سیاست‌های اقتصادی دولت همراهی کافی را داشته باشند.

۲. شاخص اعتماد عمومی به سیاستمداران

شاخص اعتماد عمومی به سیاستمداران را شاید بتوان شاخصی در نظر گرفت که می‌تواند میزان اثرگذاری فساد بر اعتماد عمومی را بسنجد. شاخص «اعتماد عمومی به سیاستمداران»^۱ شاخصی است که تا سال ۲۰۱۷ هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد (WEF)^۲ و در زیرفصل گزارش‌های رقابت‌پذیری ارائه شده است، اما استخراج این شاخص از سال ۲۰۱۸ متوقف شده است. شاخص میزان اعتماد عمومی به سیاستمداران نشان می‌دهد که در هر کشور از نقطه‌نظر مردم، تا چه حد مقامات دولتی دارای استانداردهای اخلاقی هستند و از نظر فسادپذیری تا چه حدی موازین اخلاقی را رعایت

2. The World Economic Forum

1. Public trust in politicians

سقوط شدید رتبه ایران از ۳۵ به ۶۵ آن هم در بین ۱۴۴ کشور در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۴ (۱۳۹۳-۱۳۹۱ شمسی) می‌تواند ناشی از تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان در این سال‌ها باشد. شرایط اقتصادی کشور و محدودیت‌های دولت در نقل و انتقال ارز، شرایط را برای حضور دلالت‌ها و واسطه‌هایی که روابطی ویژه با مسئولان داشتند، فراهم کرد و باعث شد اقتصاد ایران که قبل از تحریم‌ها نیز چندان رسمی و شفاف نبود، بیشتر به کانال غیررسمی و غیرشفاف هدایت شود. بنابراین میزان اعتماد عمومی نیز بیش از پیش کاهش داشته است.

در این سال‌ها که تحریم شبکه بانکی محدودیت‌های نقل و انتقال ارز را به اوج خود رسانده بود، حضور واسطه‌گرانی مانند بابک زنجانی و رضا ضراب در اقتصاد کشور مصادیقی از این وابستگی‌ها در آن دوره هستند. از سال ۲۰۱۴ به بعد، روند بهبود نسبی در رتبه ایران ظاهر شده، اما همچنان نسبت به سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ (۱۳۹۱-۱۳۸۹ شمسی)، وضعیت نامطلوب است.

متأسفانه به دلیل عدم ارائه این شاخص در سال‌های اخیر نمی‌توان وضعیت را در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار داد، اما باتوجه به بازگشت تحریم‌های آمریکا و تجربه سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ می‌توان وضعیت شرایط کنونی را نیز حدس زد.

۶/۴ در این شاخص و قرار گرفتن در رتبه نخست سال ۲۰۱۷، در بین ۱۳۷ کشور جهان از بالاترین اعتماد عمومی برخوردار است، به طوری که مردم سنگاپور باور دارند که مقامات سنگاپوری فاسد نبوده و به اصول اخلاقی و قوانین این کشور پایبند هستند. در مقابل کشور برزیل با کسب رتبه ۱۳۷ و عدد ۱/۳، از نقطه نظر مردمان این کشور دارای فاسدترین مقامات و مسئولان است و عامه مردم برزیل اعتمادی به مسئولان این کشور ندارند و آن‌ها را فساد می‌پندارند.

۲-۱. میزان اعتماد عمومی به دولت مردان در ایران

و مقایسه آن با برخی از همسایگان

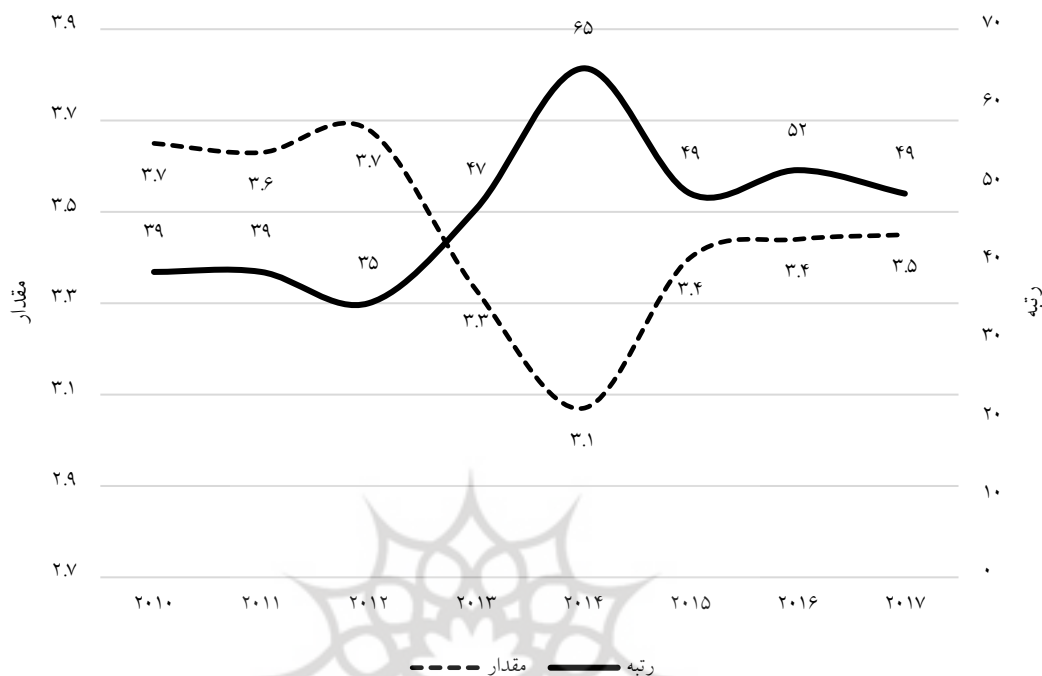
از آنجایی که ایران از سال ۲۰۱۰ و از طریق مرکز تحقیقات و مطالعات اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در حال همکاری با مجمع جهانی اقتصاد است، آمارهای مرتبط با این شاخص برای کشورمان از سال ۲۰۱۰ موجود است. به همین دلیل وضعیت ایران در این شاخص بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ میلادی، مورد بررسی قرار گرفته است که روند رتبه ایران در این شاخص و مقادیر این شاخص در نمودار شماره (۱) ارائه شده است.

همان‌طور که مشخص است، جایگاه جهانی ایران^۱ از نظر شاخص اعتماد عمومی به سیاست‌مداران در بین ۱۳۷ کشور، از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیست. ملاحظه می‌شود که از سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹ شمسی) تا سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶ شمسی) رتبه ایران در این شاخص فرازونشیب زیادی داشته است.

۱. هرچه رتبه کشوری کمتر باشد به معنای میزان فساد کمتر است.

نمودار ۱: جایگاه جهانی ایران در شاخص میزان اعتماد عمومی به دولت مردان در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷ (از نظر

مقدار و رتبه جهانی)



منبع: مجمع جهانی اقتصاد، گزارش رقابت‌پذیری جهانی.

مقایسه رتبه ایران در شاخص میزان اعتماد عمومی به دولت مردان با سایر کشورهای منطقه که در جدول شماره (۱) آورده شده است، به‌وضوح نامناسب بودن وضعیت کشورمان در این شاخص را به‌لحاظ بی‌اعتمادی مردم به مسئولان دولتی را نمایان می‌کند.

توجه به این نکته نیز ضروری است که این ارتقای رتبه با کاهش تعداد کشورهای مورد بررسی در این گزارش همراه بوده، به‌طوری که کسب رتبه ۶۵ در سال ۲۰۱۴، در بین ۱۴۴ کشور و رتبه ۴۹ در سال ۲۰۱۷، در بین ۱۳۷ کشور بوده است. لغو تحریم‌ها در اواخر این دوره و اقدام‌های دولت برای مهار فساد عواملی هستند که بهبود اندک وضعیت ایران را توجیه می‌کنند. متأسفانه به‌دلیل عدم ارائه این شاخص در سال‌های اخیر نمی‌توان وضعیت را در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار داد، اما باتوجه به بازگشت تحریم‌های آمریکا و تجربه سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ می‌توان وضعیت شرایط کنونی را نیز حدس زد.

زمانی که میزان اعتماد مردم نسبت به مسئولان پایین باشد، در این صورت هرگونه قوانینی که تصویب می‌شود یا هرگونه اصلاحاتی که انجام می‌گیرد، از سوی عامه مردم پذیرفته نشده و رعایت نمی‌شود.

جدول ۱: رتبه ایران در شاخص اعتماد عمومی به سیاستمداران در مقایسه با برخی کشورهای منطقه (۲۰۱۷-۲۰۱۰)

رتبه کشورها	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
امارات	۷	۸	۳	۳	۳	۲	۲	۲
ایران	۳۹	۳۹	۳۵	۴۷	۶۵	۴۹	۵۲	۴۹
کویت	۴۶	۴۷	۵۳	۵۶	۵۶	۶۵	۷۳	۶۸
عمان	۱۱	۱۱	۱۳	۱۳	۱۴	۲۳	۱۹	۱۹
قطر	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۶	۴
عربستان	۹	۳	۵	۱۰	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
ترکیه	۸۱	۶۸	۴۳	۳۷	۶۲	۷۶	۷۴	۷۰
تعداد کشورهای مورد بررسی	۱۳۹	۱۴۲	۱۴۴	۱۴۸	۱۴۴	۱۴۰	۱۳۸	۱۳۷

منبع: مجمع جهانی اقتصاد، گزارش رقابت‌پذیری جهانی.

شاخص‌ها با نگاه مثبتی نگریسته شود، تا بتوان نقاط ضعف کشور را به نقاط قوت تبدیل کرد.

۳. بررسی تجربه برخی کشورها در مبارزه با فساد دولتمردان در راستای تقویت اعتماد عمومی

بخشی از ابزارهای پیش‌گیرانه و مقابله با فساد، مربوط به استفاده از تجربه‌های به‌دست‌آمده از کشورها در راستای پیشنهاد اصلاح قوانین، آیین‌نامه‌ها و فرایندهای اجرای کار است. بر همین اساس در ادامه به تجربه برخی کشورها در مقابله با فساد دولتمردان در راستای تقویت اعتماد عمومی می‌پردازیم.

۳-۱. تجربه کشور سنگاپور در مقابله با فساد دولتمردان در راستای تقویت اعتماد عمومی

کشور سنگاپور یکی از پیشگامان مبارزه با فساد در دنیا به‌شمار می‌رود. دولت این کشور در دهه ۱۹۸۰ با پیگرد، بازجویی و مجازات شماری از شخصیت‌های عالی‌رتبه سیاسی به رأی‌دهندگان

برای مثال، امارات و قطر به‌عنوان کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس و عضو اوپک، در حالی رتبه‌های دوم و پنجم را در سال ۲۰۱۷ این شاخص به‌خود اختصاص داده‌اند که رتبه ایران در این سال ۴۹ بوده است. حتی مقایسه جایگاه ایران با عربستان نشان می‌دهد که این کشور به‌عنوان یکی از رقبای اصلی ایران در منطقه، فاصله چشم‌گیری با ایران در این شاخص دارد. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که وضعیت ایران در این زمینه بهتر از وضعیت ترکیه و کویت است.

در این بین، باید به این نکته نیز توجه داشت که هرچند اکثر شاخص‌های بین‌المللی از این توانایی برخوردارند که از سوی تهیه‌کنندگان آن‌ها تصویری دروغین از وضعیت کشورمان را نشان دهند، اما حتی با فرض نادرست بودن این شاخص‌ها، آن‌ها می‌توانند به مقام‌های کشور نقطه‌های آسیب‌پذیری را نشان دهند. بنابراین حتی با وجود احتمال مغرضانه عمل کردن غربی‌ها در رتبه‌بندی کشورها، باید به این



حکومتی که باید دارایی‌های آن‌ها بررسی شود را برعهده دارد. کمیسیون ملی می‌تواند هر موردی که شواهد قابل قبول برای مشکوک شدن درباره آن وجود داشته باشد را بررسی کند (حتی اگر فرد مورد نظر جزو مقامات عالی‌رتبه نباشد) و از وی بخواهد حساب‌های مربوطه را ارائه کند.

۳-۳. تجربه کشور لتونی در مقابله با فساد

دولتمردان در راستای تقویت اعتماد عمومی

ادارهٔ پیش‌گیری و مبارزه با فساد لتونی نیز یک نهاد مستقل برای تحقیق و بررسی، تعقیب قضائی و حسابرسی به منظور تضمین اجرای برابر قوانین برای همگان است که تجربه‌ای موفق در مقابله با فساد سیاسی در این کشور به‌شمار می‌رود. این اداره وظیفه اجرای بخش نظارتی از «قانون پیش‌گیری از تضاد منافع در فعالیت‌های کارکنان دولتی» را در این کشور برعهده دارد. همچنین در لتونی، مقامات بلندپایه باید گزارش دارایی‌های خود را به کمیسیون نظام اخلاقی کارکنان که وظیفه بررسی این گزارش‌ها را برعهده دارد، تحویل دهند. بررسی اوضاع زندگی افراد در نهایت به تمام کارکنان دولتی تسری پیدا خواهد کرد، هرچند در ابتدا، فقط مقامات بلندپایه (چه انتخابی و چه انتصابی) و کارکنان نهادهای زیر که اکثر اختلاس‌ها از آنجا گزارش شده را شامل خواهد شد. این نهادها عبارت‌اند از: ادارهٔ مالیات، ادارهٔ گمرک و ادارهٔ فعالیت عام‌المنفعه و بزرگراه‌ها.

درس کلیدی که کشورهایی مانند تایلند، لتونی و سنگاپور در ارتباط با مبارزه با فساد در راستای

این کشور ثابت کرد که در مبارزه با فساد بسیار جدی است. اداره مبارزه با فساد بارها اعضای کابینه سنگاپور را به اتهام ارتکاب فساد تحت پیگرد قرار داده و محکوم و مجازات کرده است. «لی سین لونگ» نخست‌وزیر سنگاپور در شصت‌مین سالگرد تأسیس اداره مبارزه با فساد این کشور در سال ۲۰۱۲ تأکید کرده بود که مصمم به مقابله با فساد و تخلف افراد در هر سطحی از قدرت است؛ ولو اگر تحقق این هدف به رسوایی دولتش منجر شود. بنابراین پُربُری‌راه نیست که این کشور در شاخص اعتماد عمومی به سیاست‌مداران در تمامی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ رتبه نخست را به‌خود اختصاص داده است.

۳-۲. تجربه کشور تایلند در مقابله با فساد

دولتمردان در راستای تقویت اعتماد عمومی

کشور تایلند برای مقابله با فساد سیاسی از راهبرد کمیسیون مستقل مبارزه با فساد استفاده کرده است. این کمیسیون از حمایت بالایی سیاسی و عمومی برخوردار بوده و منابع کافی را در اختیار دارد. بخش مهمی از وظیفه کمیسیون ملی مبارزه با فساد تایلند مربوط به نظارت بر دارایی‌ها و بدهی‌های مقامات بلندپایه است. مقامات بلندپایه رسمی، همراه با کارکنان بلندمرتبه حکومت (ملی و محلی) باید اطلاعات مربوط به دارایی‌ها و بدهی‌های خود و فرزندان‌شان (هر سه سال یک‌بار، در هنگام قبول شغل، هنگام ترک شغل و یک‌سال پس از ترک شغل) را به کمیسیون ملی مبارزه با فساد این کشور ارسال کنند. کمیسیون ملی وظیفه تعریف گروه‌های مناسب

سیاسی مطرح می‌شود. البته گاهی برخورد با مفاسد اقتصادی، نه به انگیزه اصلاح جامعه و احقاق حقوق که با اهداف سیاسی و پرونده‌سازی برای رقبای جناحی و به‌عنوان ابزاری برای حمله به منتقدین و رقبای سیاسی صورت می‌گیرد، این امر برخلاف انتظار نهادهای مبارزه با فساد، باعث اعتمادسوزی در جامعه نسبت به سیاست‌های مبارزه با فساد می‌شود.

اعتماد عمومی نسبت به دولت و سازمان‌های دولتی برای هر نظام سیاسی حائز اهمیت است، زیرا برای پشتیبانی از تدوین و اجرای خط‌مشی‌های اقتصادی و همچنین همراهی و همکاری اثربخش شهروندان برای مقابله با تحریم‌ها، اعتماد نقش محوری ایفا می‌کند.

۴. ملاحظات امنیت اقتصادی

اعتماد مردم به دولت اصلی‌ترین عنصر جلب مشارکت مردمی است و بالعکس فساد اقتصادی و بی‌توجهی به مقابله با فساد از جمله عوامل تشدید بی‌اعتمادی و سلب مشارکت عمومی است. بر همین اساس بزرگ‌ترین تهدید داخلی برای یک اقتصاد، فساد اقتصادی است که باعث بی‌اعتمادی شدید مردم به دولت و مسئولین می‌شود. بی‌اعتمادی مردم به دولت خود یکی از تهدیدهای اقتصادی است و باعث می‌شود هیچ‌یک از سیاست‌های اقتصادی دولت با موفقیت به انجام نرسد و مردم نیز در نتیجه بخش بودن سیاست‌ها همکاری نخواهند کرد.

تقویت اعتماد عمومی آموخته‌اند، آن است که به‌دست آوردن اعتماد عمومی از طریق نمایش کارایی با استفاده از نتایج به‌دست‌آمده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محکوم نشدن متهمان در پرونده‌های فساد منجر به ازدست‌رفتن اعتماد عمومی نسبت به تلاش‌های صورت‌گرفته و نیز سازمان‌های درگیر در پیش‌گیری و مبارزه با فساد می‌شود. از این رو، در این دسته از کشورها مصونیت سیاسی افراد هیچ تأثیری در محکومیت مقام‌های مفسد ندارد. این موضوع در حالی است که در کشورمان، بسیاری از اوقات مصلحت‌اندیشی‌ها باعث می‌شود برخورد درستی با فساد مقامات انجام نگیرد و مردم هم فرض را بر این می‌گذارند که فساد در بالاترین سطوح اداری وجود دارد، اما به دلایلی با آن برخورد نمی‌شود. در نتیجه چنین برداشتی، فساد در همه لایه‌های جامعه رسوخ می‌کند و قبح آن نزد عموم فرو می‌ریزد. این موضوع در حالی است که اگر به‌موقع با فساد برخورد شود، مانع از فسادهای بالقوه خواهد شد.

در بحث اثربخشی مجازات، این مسئله مطرح است که بیشترین بازدارندگی را «اجرای به‌موقع» مجازات دارد نه «اجرای شدید». آن، یعنی مجازات‌هایی که چندان شدید هم نیستند ولی سریع و به‌موقع اجرا شوند، بسیار بازدارنده‌تر از مجازات‌هایی هستند که شدیدند، اما با تأخیر اجرا می‌شوند. این موضوع در حالی است که اگر با عامل فساد به‌موقع برخورد شود، مردم آن را پای قصد حاکمیت برای مقابله با فساد می‌گذارند، اما اگر چند سال بعد برخورد شود، بلافاصله بحث ملاحظات



در بحث اثربخشی مجازات، این مسئله مطرح است که بیشترین بازدارندگی را «اجرای به موقع» مجازات دارد نه «اجرای شدید» آن، یعنی مجازات‌هایی که چندان شدید هم نیستند ولی سریع و به موقع اجرا شوند، بسیار بازدارنده‌تر از مجازات‌هایی هستند که شدیدند، اما با تأخیر اجرا می‌شوند.

نتیجه‌گیری و راهکارهای پیشنهادی

در کشور توجه زیادی به موضوع فساد و اهتمام ویژه‌ای به مبارزه با آن وجود دارد. از این رو، قوانین و مقررات متعددی برای مبارزه با آن به تصویب رسیده و در حال اجراست. همچنین تأکیدات ویژه‌ای از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی و مسئولان نظام برای مبارزه با فساد شده است. در این بین، به رغم وجود دستگاه‌های متعدد قانون‌گذاری، اجرایی و نظارتی در این حوزه، شاهد بروز انواع مختلف فساد اقتصادی و گسترش آن در سطوح مختلف هستیم. در سال‌های اخیر فساد، رشوه و اختلاس در کشور سیر صعودی را دنبال کرده است. افزایش اخبار مربوط به اختلاس‌های کلان و فسادهای گسترده، سبب بی‌اعتمادی مردم به دولتمردان کشور شده است. باید توجه داشت که اگر رابطه ملت و حکومت مبتنی بر حس اعتماد و همکاری باشد، شوک‌های

اعتماد به عنوان مفهومی اجتماعی می‌تواند کلیدی بسیاری از مباحث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جوامع امروز باشد، به گونه‌ای که جامعه در صورت تقویت اعتماد قادر است به اهداف مشخصه رسیده و به سمت تعالی و پیشرفت در تمام سطوح اقتصادی سیاسی و اجتماعی حرکت کند.

دولتمردان همواره باید به دنبال تقویت و بازسازی اعتماد در تمام سطوح جامعه باشند. به گونه‌ای که بدون ساختارسازی اعتماد از تمام بخش‌های مورد نظر جامعه، به هیچ عنوان قادر به اجرای برنامه و حرکت در مسیر پیشرفت نخواهند بود.

مبارزه با فساد یک راه مطمئن برای تقویت اعتماد عمومی است، اما دولت‌ها برای مقابله و مبارزه با فساد به اندازه کافی تلاش نمی‌کنند. با این حال، افزایش اعتماد به نفع همگان خواهد بود. موفقیت در مقابله و مبارزه با فساد منجر به پذیرش گسترده‌تر نهادهای عمومی، کاهش فقر و نابرابری، احترام به حاکمیت قانون و تقویت ثبات سیاسی می‌شود. تاریخ نشان می‌دهد که عدم اعتماد عمومی نسبت به سازمان‌ها و نهادهای دولتی در گذر زمان به مشروعیت نظام سیاسی لطمه وارد کرده است. بنابراین مشروعیت سازمان‌های دولتی با مشروعیت نظام‌های سیاسی گره خورده است. فساد، بنیان‌های مشروع بودن نظام سیاسی را به صورت مستقیم و با تأثیر بر کارایی حکومت تضعیف می‌کند و بر کیفیت حکومت، اعتماد، حمایت عمومی، رضایت و در نهایت ثبات بیشتر دموکراسی تأثیر می‌گذارد. فساد، تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای اقتصادی را تحریف می‌کند، تهدیدی برای اعتماد به حساب می‌آید و باور به مشروع بودن نظام سیاسی را به خطر می‌اندازد.

کرد، در راستای منافع ملی تنظیم کنند. این قوانین خطوط قرمزی را طراحی می‌کنند که در عمل موجب حفظ منافع ملی کشور می‌شود و محدوده فعالیت‌های اقتصادی همه افراد و گروه‌ها در فضای تعیین شده‌ای خواهد بود که خدشه‌ای به منافع ملی وارد نمی‌کند، به طوری که با الگوبرداری از تجارب این کشورها می‌توان با فساد در کشور مقابله و به اجرای عدالت کمک کرد.

- تقویت نظام اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی

گسترش و ارتقای نظام اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی دستگاه‌های اداری و قضائی کشور موجب می‌شود تا با فراهم ساختن زمینه‌های برابری مردم برای دسترسی به اطلاعات و فرصت‌ها، بستر رشد سوءاستفاده از قدرت سیاسی در جهت منافع شخصی در جامعه از بین برود. افزایش آگاهی و نظارت مردمی بر عملکرد متصدیان سیاسی، اساس فسادزدایی است. در سطح سیاسی، اعمال نظارت بر قدرت سیاستمداران و نهادهای سیاسی و ملزم ساختن آن‌ها به پاسخ‌گویی در برابر مردم از ابزارهای کنترل فساد است.

جامعه بی‌اعتماد، زیربنای برنامه‌پذیری را نخواهد داشت و دولت را در اجرای برنامه همراهی نخواهد کرد، دولت، برای اجرای هر برنامه‌ای نیاز دارد تا مردم به او اعتماد داشته باشند، از این‌رو، اولین گام دولت‌ها در اجرای برنامه‌هایشان، بنای اعتماد در جامعه است.

بیرونی حتی تبدیل به نقطه تحریک ارتقای کارآمدی می‌شود و می‌توان تهدیدهای بیرونی را به فرصت تبدیل کرد و در مقابل اگر این رابطه دچار تزلزل شود، فشارهای کوچک، هزینه‌های سنگینی به بار خواهد داشت. اگر مردم به حکومت اعتماد نکنند، هزینه اداره جامعه سنگین‌تر می‌شود و در چنین شرایطی به جای آن‌که هزینه‌ها صرف مقابله با فشارهای بیرونی مانند تحریم‌ها شود، باید صرف خاموشی اعتراض‌های داخلی شود. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود برای مبارزه همه‌جانبه با موضوع فساد و ریشه‌کن ساختن این پدیده موارد زیر در دستور کار نهادهای مسئول قرار گیرد.

- برخورد قاطع با مفاسد اقتصادی بدون ملاحظه وابستگی‌های شخصی و گروهی

ضعف در ضمانت اجرای قوانین، از جمله عوامل گسترش‌دهنده رانت‌جویی و سوءاستفاده از قدرت سیاسی در کشورمان است، زیرا عدم قاطعیت قوای حاکم در اجرای مجازات‌ها و حتمی نبودن اجرای مجازات جنبه پیشگیرانه آن را از بین می‌برد و افراد با بررسی منافع حاصل از ارتکاب تخلف و مقایسه آن با خطرات احتمالی ناشی از کشف جرم و اجرای مجازات، این منافع را به مراتب دست‌یافتنی‌تر و محتمل‌تر می‌بینند. از این‌رو، برخورد قاطع با موارد تخلف، زمینه‌های رواج فساد را کمتر می‌کند. کشورهای توسعه‌یافته با تدوین قوانین مدرن و باکیفیت و همچنین ضمانت‌های اجرایی این قوانین، تلاش کرده‌اند منافع افراد و گروه‌هایی را که هرگز نمی‌توان آن‌ها را حذف



به موضوعی متداول مبدل می‌کند، به این معنا که افراد و جریان‌های سیاسی به دلیل حس نظارتی که بر رفتار و رویکردهای آنان وجود دارد، می‌کوشند به سمت فساد و ناعدالتی گرایش پیدا نکنند. بنابراین، تقویت جامعه مدنی جایگاه برجسته‌ای در فسادزدایی و مقابله با بی‌عدالتی در جوامع بشری دارد.

- حمایت مالی از ائتلاف‌های مبارزه‌کننده با فساد - دولت، انجمن‌ها و سایر نهادهای حمایتی باید با پشتیبانی مالی (و حتی تأمین سرمایه اولیه) از گروه‌هایی که هدفشان مبارزه با فساد است، فرایند شفاف‌سازی را در بخش خصوصی و دولتی تسریع کنند. در واقع، حمایت از جامعه مدنی برای به چالش کشیدن اقدام‌های مسئولان، روش مؤثری در کنترل قدرت سیاسی افراد است. چنین اصلاحی موجب خواهد شد حیطه اختیارات سیاستمداران محدود شده و با ایجاد فضایی شفاف‌تر از اقدام‌هایی که ناقض اصل برابری فرصت‌ها و عدالت است، جلوگیری شود.

فساد، اعتماد عمومی را از بین برده و سرمایه اجتماعی را تحلیل می‌برد. قوانین و مقرراتی را که به منظور مقاصد اجتماعی سودمندی نظیر حفظ محیط‌زیست و... وضع شده‌اند، تضعیف می‌کند و در نتیجه این امر، شهروندان در دنباله‌روی و تبعیت از قوانین نفعی نمی‌بینند که پیامد این امر تحلیل مشروعیت سیاسی یک نظام سیاسی است.

- توجه بیشتر به شایسته‌سالاری در نظام‌های قضائی و حقوقی کشور

بخش قابل‌توجهی از فساد حاکم بر کشور می‌تواند از سوءاستفاده برخی مأموران نهادهای نظارتی از قدرت در اختیارشان ناشی شود. به این ترتیب که برخی مأموران نظارتی که نظارت بر سازمان‌ها و نهادها را برای جلوگیری از شکل‌گیری فساد در این سازمان‌ها برعهده دارند، از طریق دریافت رشوه می‌توانند از تخلفات شناسایی‌شده چشم‌پوشی و منافع شخصی خود و رشوه‌پردازان را تأمین کنند. از این‌رو، رصد عملکرد مأموران نظارتی و شناسایی مأموران متخلف و جایگزینی افراد شایسته (از طریق آزمون‌های استخدامی چندمرحله‌ای) می‌تواند زمینه فساد را در سازمان‌ها و نهادهای نظارتی کاهش دهد و بی‌عدالتی اقتصادی به وجود آمده در جامعه را تا حدودی بهبود بخشد.

- تقویت جامعه مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد برای کنترل قدرت سیاسی افراد

افزایش مردم‌سالاری و تقویت جامعه مدنی باعث کاهش قدرت حاکمان سیاسی در سوءاستفاده از قدرت سیاسی در جهت منافع شخصی می‌شود. در واقع، آزادی جامعه مدنی برای به چالش کشیدن اقدام‌های دولت، نقش مؤثری در کنترل قدرت سیاسی افراد دارد. چنین اصلاحی موجب خواهد شد تا حیطه اختیارات سیاستمداران محدود و با ایجاد فضایی شفاف‌تر، از اقدام‌های پنهانی و لابی‌گری تا حد ممکن جلوگیری شود. از سوی دیگر، تقویت جامعه مدنی، پاسخ‌گویی را

- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۸)، عبور از فساد؛ سنگاپور الگویی آسیایی، ۱۸ شهریور
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۷)، ناخدای انتظارات در تلاطم اقتصاد، ۲۵ شهریور

در ایران نیز تجربه عموم مردم درخصوص سیاست‌های اقتصادی مانند بازار سرمایه و اقبال گسترده به بورس، پیش‌فروش سکه، سپرده‌های ارزی تجربه ناخوشایندی بوده که به‌طور جدی اعتماد عمومی را خدشه‌دار کرده است. در سال ۱۳۹۹ عموم مردم برای حضور در بازار سرمایه تشویق شده و اعتماد آنان کم‌کم شکل گرفته بود، اما با رفتارهای نادرست به‌راحتی اعتماد مردم از بین رفت. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که در آینده عموم مردم با سیاست‌های اقتصادی دولت همراهی کافی را داشته باشند.

- ارائه گزارش‌های منظم از فسادهای شناسایی شده و مقابله با آن‌ها
- ارائه گزارش‌های منظم از عملکرد افراد و دستگاه‌ها در شناسایی و مبارزه با فساد می‌تواند احساس وجود نظارت و اطمینان از مبارزه با فساد را در جامعه القا کند. همچنین این موضوع باعث می‌شود نهادهای نظارتی با کارایی بیشتری اقدام‌های خود را انجام دهند.

- تقویت رسانه‌های مستقل

- تقویت رسانه‌های مستقل کمک می‌کند رسانه‌ها بدون ترس از عواقب نشر اطلاعات، ناظر و مراقب امور باشند. آموزش و تربیت افراد خبره در حوزه رسانه و ارتقای دانش آن‌ها در زمینه انواع و ریشه‌های فساد امکان نظارت هرچه بهتر را فراهم می‌آورد.

منابع

- نشست‌های تخصصی با حضور متخصصان و کارشناسان حوزه فساد
- گزارش سال‌های مختلف رقابت‌پذیری جهانی، مجمع جهانی اقتصاد
- موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۹۵)، ارزیابی راهبردها در سازمان‌های ضد فساد اقتصادی
- فاضلی محمد، جلیلی محدثه (۱۳۹۷)، بررسی بین‌کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۹، شماره ۲
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۷)، چیدمان تاکتیک ضد فساد، ۲۷ اسفند

